

اگر این تفتیش عقاید نیست پس چیست؟

آیت‌الله بهشتی دوازدهم محرم در حسینیه احمدیه مطالبی پیرامون "شخص و مکتب" عنوان کرده که دید ایشان را در مورد "تفتیش عقاید" بوضوح آشکار میکند.

آیت‌الله بهشتی غیر از شرکت در مصاحبه‌ها و ایراد یک سری فتوای بی‌غایت "کلیمانسه" (برای نمونه فتوای ایشان در مورد مصروف گوشت) کمتر این چنین آفتابی میشد. ولی در سه چهار روز اخیر مکرراً آفتابی شده و در تنویر افکار امت کوشیده‌اند.

اینکه چرا آیت‌الله بهشتی کمتر عیسان میشود، آیا علتش وقوف از کریه لملله بودنش است یا اینکه نمیخواهد با حضورش در صحنه بمردم گوشزد کند که رئیس دیوان عالی جمهوری اسلامی همه کاره‌ی "حزب" جمهوری اسلامی است یا اینکه قصد دارد همچون امام امت خود را برای بگویموها که در از چندی به کتک کاری بپردازند قلمداد کنند در اینجا مورد نظر نیست.

حتی اینکه عالیترین مرجع قضایی کشور چرا در سه چهار روز اخیر اینچنین خشنود مینماید، آیا علتش جملات بنی صدر است یا بی لیاقتی های همکاران در بی جنجال فیملسه دادن "اختلاف سلیقه‌ها" یا علل دیگری دارد، نیز مورد نظر نیست.

آنچه مورد نظر است دیدگاه ایشان در مورد "تفتیش عقاید" است. آیت‌الله بهشتی میگوید:

"اگر در پرسشنامه‌ای که آزاد می‌خواهم پیر کند، منوالاتی کردیم که بعد مکتب‌ساز او را نشان بدهد این تفتیش عقاید نیست." (جمهوری اسلامی ۳ آذر)

و سپس می‌افزاید:

"مثلاً وقتی میخواهند معلم بگیرند میپرسند که تو ایمانت، دینت، تقوایت، گرایشت چیست؟ میفرمایند پرسشنامه." (همانجا)

و بعبارتی دیگر میگوید:

"اما اینکه اگر یک کسی را میخواهند دعوت بکار بکنند بگویند جزء شرایط کار این است که آدم مومن و مسلمانی باشی بما بگو واقعا آدم مؤمن و مسلمانی هستی یا نه؟ و بعد هم درباره‌اش تحقیق کنند. این تفتیش عقاید نیست." (همانجا)

و در جایی دیگر:

"اگر ما به دلیل عشق به اسلام، بسک کارگر ساختمانی نمازخوان مسلمان را بر یک کارگر ساختمانی که نمازخوان و مفید نیست مقدم داشتیم، این تنگ نظری نیست، این پایبندی جدی بسسه دین است."

از تمام این نقل قولها معلوم میشود آیهست

الله محکی بسیار ارزنده در دست دارند شما معلوم شود چه کسی را باید "دعوت" بکار کرد و چه کسی را نباید. آن محک "پرسشنامه‌ای" است که "بعد مکتبی" او را اندازه میگیرد.

"بعد مکتبی" هم مشخصا در مثالی که ایشان ذکر کرده‌اند معلوم میکرده، "بسک کارگر ساختمانی نماز خوان مسلمان" مقدم بر کسی است که نمازخوان نیست. درست است آقای بهشتی، این تنگ نظری نیست، ایست "تفتیش عقاید" است، این همان کاریست که کارگزاران ساواک انجام میدادند. با این تفاوت که برای آن "کارگر ساختمانی که نماز خوان و مفید نبود" کاری بود که از گرسنگی نمبرد، برای آموزگاری که معلوم میشد کدام گرایش را دارد تبعیدی در نظر گرفته میشد ولی شما او را از ابتدایی ترین نیازهای یک انسان یعنی حق داشتن شغل محروم میکنید، البته دکتر بهشتی فکر این جایش را هم کرده و میگوید:

"همه‌ی اینها که من گفتم در مسرود مشاغل اجتماعت است. والا در مسرود مشاغل فردی کسی مانع کسی نمیشود.

یک آدم که شهروند جمهوری اسلامی است میخواهد خودش از مهارت خودش استفاده کند و یک کارگاه تولید صنعتی با همفکران خود درست کند و کالایش را تهیه کند و بفروشد کسی مزاحم او نمیشود." (همانجا)

پس آموزگاران که بعلت گرایش فکریشان از "مشاغل اجتماعی" رانده شده‌اند، کارگرانی که به نمازخواندن نمیپردازند، تکلیفشان روشن شد. بروید و یک "کارگاه تولید صنعتی با همفکران خود" درست کنید و به تهیه و فروش کالا بپردازید، تنها در آن صورت است که کسی "مزاحم" شما نمیشود! اما دیگر در در "همه‌ی موسسات دولتی و در همه‌ی موسسات غیر دولتی" جایی برای شما نیست. بایسن میگویند با منطق و دلیل جهان را مسلمان کردن نه با تهدید و گرسنگی! آقای بهشتی تصمیم دارند بدون "رودربایستی"، "مسائل را تحلیل" کنند و از هواداران نشان میخواهند "در ترویج آن بکوشند و افکار مردم را روشن کنند."

باید از آقای بهشتی پرسید که زمانیکه معلمین آزاده‌ای را همچون گرجی بیانی را سر به نیست میکنند یا زمانیکه خلق عسروب خوزستان را به دزخیمی چون مدنی میسپارند تا تا رومار شوند یا هنگامیکه خلق قهرمان کرد را قتل عام میکنند، رودربایستی بخرج داده‌اند؟

باید از آقای بهشتی پرسید چطور شده

که به فکر "تحلیل مسائل" افتاده اند؟ آیا غیر از آشکار شدن چهره‌ی کریمه سرما بیسه‌داری ملبس به عبا و عمامه و تشدید ناراضی‌های و آواره شدن بیش از یک میلیون خوزستانی‌ها و نقش بر آب شدن تمام آرزوهای مردم وروشدین دست حکومتگران دلیل دیگری دارد؟

آقای بهشتی که به دم لای تله نشستادن و زبان بازی استاد است برای اینکه بیسه سئوالتی که احیاناً در ذهن شنوندگانش پیدا خواهد شد که پس فرق کار آنها که میگویند تفتیش عقاید نیست با کار شاه مملکتسون چیست؟ جوابی داشته باشد، میگوید:

"تفتیش عقایدی که ما با آن مخالفیم این است که دنبال یکی بروند و بپرسند آقا عقیده‌ات چیست؟ اگر عقیده‌اش مخالف عقیده‌ی حاکم بود او را بدون هیچ دلیلی زندانی کنند و اذیت و آزار کنند." (همانجا)

مساله کاملاً واضح شد. آقای بهشتی بیسه "تفتیش عقاید" مخالف نیستند بلکه با نوعی از تفتیش عقاید مخالف‌اند که "دنبال یکی بروند" و "عقیده" اش را بپرسند. یعنی اگر

شما بعد از چند سالی درس خواندن لیسانس گرفتید و خواستید معلم شوید و آنها از عقاید شما پرسیدند تا گرایش شما را بدانند در واقع مساله خیلی فرق دارد!! تا اینکه آنها دنبال شما بپایند!!

"تفتیش عقاید" هیچ چیز نیست مگر اهرسی برای استعمارکنندگان تا از بخش بذر آگاهی طبقاتی جلوگیری کنند. زمانی زمامداران کلیسا و فئودالیسم در جواب گائیلنه که آنها دعوت به تماشای ستارگان از درون دوربینش میکرد، تا بدینگونه چرخش زمین را ثابت کند، شکنجه‌های قرون وسطی را روا میداشتند تا بدین گونه شهادت زمین بعنوان مرکز عالم جاودانی بماند و واتیکان مرکز عالم و پاپ هم رهبر عالم قلمداد شود و زمان دیگر خسروگل‌سرخ‌ها و بیژن جزینیها را به جوخه‌های اعدام میسپردند. اکنون نیز پاسداران مکلا و معمم سرمایه‌داری دست به شاهکار میزنند کم سابقه و کسلسلا دانشگاه‌ها را میبندند. اینها همه انبساط تفتیش عقایدند که تنها در شکل با یکدیگر متفاوت‌اند.